

# فصلنامه علمی

موارد ثبوت دعوا با شهادت بانوان، در فقه اهل بیت (ع) و حقوق ایران  
سید محمد حسینی دره صوفی (دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی)

نقش رسانه ها در پیشگیری از جرایم، با تاکید به رسانه های افغانستان  
سید محمد نقوی دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

جایگاه اهل بیت در آیه «تلقی کلمات»  
سید طالب زکی کارشناسی ارشد مدرسه عالی فقه جامعه المصطفی

اخوت اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری...  
محمد اسماعیل حلیمی، دانشجوی دکتری جزا و جرم شناسی

نقش ایدئولوژی در تحولات سیاسی اجتماعی با رویکرد قرآن کریم  
غلام سخی رحمانی، دانش پژوه دکتری قرآن و علوم سیاسی

نمود از اعجاز علمی قرآن کریم در زمین  
سید محمد علی حسینی زهرابی، دانش پژوه دکتری قرآن و علوم

جهانی شدن و چالش های توسعه سیاسی جهان اسلام  
خانم راحله حسینی، کارشناسی ارشد روابط بین الملل

عنوان: فصلنامه علمی نیسم کوثر  
مدیر مسئول: سید مهدی حسینی  
سر دبیر: سید محمد حسینی دره صوفی  
ویراستار: سید محمد نقوی  
مدیر داخلی: سید محمد رضا علوی  
گرافیسٹ: سید محمود محسنی  
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه  
قیمت: ۲۰,۰۰۰ تومان  
صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)  
شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶  
سایت فصلنامه: [nasimekosar.blog.ir](http://nasimekosar.blog.ir)  
ایمیل: [nasimkosar1399@gmail.com](mailto:nasimkosar1399@gmail.com)  
دفتر مرکزی و محل چاپ: افغانستان: مزار شریف



سال اول، پاییز ۱۴۰۰، شماره ۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۹

## نمود از اعجاز علمی قرآن کریم در زمین

سید محمد علی حسینی (زهرایی)<sup>۱</sup>

**چکیده:** قرآن کریم به لحاظ اینکه وحی الهی است و بر قلب نازنین پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل گردیده دارای تنوع مطالب نغز و ارزشمندی است که هرکسی به فراخور استعداد خویش از آن بهره‌مند می‌شود، یکی از موضوعات لذت‌بخش و شیرین قرآن کریم، موضوع اعجاز آن است؛ بانظر به همین مطلب نویسنده در صدد تبیین و تشریح تبارز و تبلور اعجاز علمی قرآن کریم که نگاهی بسیاری از قرآن پژوهان به آن معطوف گردیده در ارتباط با زمین است، می‌خواهد این وجه اعجاز علمی قرآن در ارتباط با زمین را مورد مذاقه و مرور قرار دهد؛ مانند: قرآن و گسترش زمین، قرآن و گهواره بودن زمین، قرآن و میخ‌های زمین، قرآن و کاهش زمین، قرآن و ساکن بودن زمین، قرآن و استخراج نفت و گاز از زمین، قرآن و قانون جاذبه در زمین، قرآن و کروی بودن زمین و...

**واژگان کلیدی:** قرآن، معجزه، علم، زمین، قرآن پژوهان، اعجاز علمی، مفسران.

۱. دانش پژوه دکترای قرآن و علوم (با گرایش تربیتی)، جامعه المصطفی العالمیه (مشهد مقدس)،

## مقدمه

قرآن کریم کتابی ست دارای غنا و محتوای عالی و آن هم ممکن نمی‌شود مگر اینکه بپذیریم سخنی است که از منبع وحی برای پیامبری «امی» صادر شده و برای هدایت بشر فرستاده گردیده توسط شخص رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در طول بیست و سه سال به مناسبت‌های مختلف از جانب خدای قادر منان نازل گردیده و توسط رسول حق، بعد از ایشان جانشینان بر حق ایشان تبیین و گردیده است.

نگاه به قرآن ما را به موضوعات فراوان و مختلف رهنمون می‌سازد، اینکه این کتاب بی بدیل از تنوع مطالب بس ارزشمند برخوردار بوده تا جاییکه بشر از آوردن مثل آن در عجز و ناتوانی کامل است، آیات ذیل ما را به این حقیقت انکار نا پذیر آشنا می‌کند.

الف: عجز از آوردن مانند قرآن: «أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ، فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ.» (طور: ۳۳ و ۳۴). این از اعجاز قرآن کریم است که جهانیان را به هم‌آوردی طلبیده و آنان در برابر عظمت قرآن به عجز خویش اعتراف نموده‌اند که نمی‌توانند مانند قرآن را به جهانیان عرضه کنند.

ب: عجز از آوردن ده سوره: «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَعْظَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ.» (هود: ۱۳) تنزل قرآن به ده سوره مانند سور قرآن، کاری دیگری است از به نمایش گذاشتن ناتوانی بشر خود سر در برابر عظمت و استحکام این کتاب آسمانی.

ج: عجز از آوردن یک سوره: «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ.» (بقره: ۲۳). اینجا به تعبیر امروزی، قرآن تیر خلاص را زده و حقارت بشر مدعی را جلو دید جهانیان به تصویر کشیده است، تا بفهماند؛ حتی عرضه آوردن یک آیه مثل آیات حیات بخش قرآن را نداشته و هرگز نمی‌تواند آن یک آیه را بیاورد؛ چون قرآن سخن و وحی الهی است که بر قلب پیامبرگرمی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم نازل گردیده و بشر با عقل و داشته‌های محدودش موفق به هم‌آوردی آن نخواهد شد. آیات فوق، بیانگر اعجاز کتاب الهی است، کاری که از عهده بشر خارج بوده

## نمود از اعجاز علمی قرآن کریم در زمین \* ۱۰۱

و هرگز به پای آن نخواهد رسید. در این پژوهش بر آنیم تا یکی از ابعاد اعجاز قرآن کریم را به جست‌جو نشست و حقانیت آن را در عصر که هر روز شاهد موضع‌گیری‌های منفی علیه قرآن هستیم با استفاده از منابع ارزشمندی که پیشینیان برای ما به عنوان ذخیرهٔ گران‌بها، به یادگار گذاشته‌اند به رشتهٔ تحریر در آوریم.

بدیهی است ابعاد اعجاز قرآن کریم دامنهٔ فراوان و گسترده دارد، ما به خاطر اینکه دامنهٔ پژوهش خود را محدود کنیم در این نوشتار به بعد اعجاز علمی، آن هم نه در همهٔ زمینه‌ها بلکه تبلور اعجاز علمی قرآن کریم در زمین را مورد کاوش قرار می‌دهیم؛ زیرا قرآن کریم وجوه اعجاز فراوان دارد مانند:

عجاز بیانی، از نظر فصاحت و بلاغت؛

عجاز از نظر مشتمل بودن بر معارف الهی؛

عجاز از نظر عدم اختلاف در قرآن؛

عجاز از نظر قانون‌گذاری الهی؛

عجاز از نظر اخبار غیبی در قرآن؛

عجاز از نظر تبیین فلسفهٔ هستی؛

عجاز از نظر بیان اخبار و تاریخ گذشتگان؛

عجاز از نظر ایجاز و اطناب؛

عجاز از نظر بیان اخبار علمی و اسرار هستی.

### ضرورت پژوهش

در قرآن کریم، مباحث و موضوعات فراوان و متنوعی آمده است که بسیاری از قرآن‌پژوهان، در اعصار مختلف با استفاده از ظاهر برخی آیات؛ از قبیل «وَلَا رُطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» (انعام: ۵۹) و ...، معتقدند که همهٔ مباحث، موضوعات و علوم در قرآن کریم، جمع آمده‌اند؛ با توجه به این زمینهٔ ذهنی، قایلند که همه چیز را در قرآن میتوان یافت.

آیا این گونه استنباط از قرآن کریم درست است؟ و آیا همهٔ تر و خشک در قرآن آمده است؟ و آیا قرآن کریم موضوعات علمی را به عنوان یک قانون در خود به طور کامل جای داده است؟ اینها سؤالاتی است که پاسخ آن در قرون متمادی داده شده و از این رهگذر، دیدگاه‌های مختلفی را در عرصهٔ قرآن‌پژوهی به وجود آورده است. مانند:

الف: دیدگاه افراطی؛ که همه علوم در قرآن موجود است؛  
ب: دیدگاه تفریطی؛ که قرآن هدفش هدایت است و هیچ ربطی به موضوعات علمی ندارد؛  
ج: دیدگاه اعتدالی؛ که قرآن کریم در راستای برنامه‌های هدایتی خود اشارات علمی نیز دارد.

ما در این نوشتار کوتاه با استفاده از دیدگاهی اعتدالی در صدد تبیین اعجاز علمی قرآن آن هم، نه به طور گسترده بلکه به آیات چند در زمینه اعجاز علمی قرآن در رابطه با زمین، دیدگاه برخی از قرآن‌پژوهان و مفسرین را مورد بحث قرار داده و در پایان از آن نتیجه‌گیری می‌نماییم.

### پیشینه پژوهش

در مورد قدمت اعجاز علمی قرآن کریم، دکتر محمد علی رضایی اصفهانی چنین می‌نویسد: تفسیر علمی سابقه‌ای هزار ساله دارد؛ (یعنی از نوشته‌های بوعلی سینا شروع شده است.) ولی ادعای اعجاز علمی قرآن در دو قرن اخیر مطرح شده. که بسیاری از کشفیات علوم تجربی با قرآن منطبق شد. وصحت و اتقان این کتاب الهی بیش از پیش به اثبات رسید.

بسیاری از کتاب‌ها به انطباق قرآن با علوم تجربی یا تفسیر علمی پرداخته‌اند و یا ادعای اعجاز علمی قرآن را مطرح کرده‌اند. مثل: تفسیر الجواهر، طنطاوی، تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، کتاب‌های عبدالرزاق نوفل، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، دکتر (سید رضا) پاک نژاد و بسیاری از دانشمندان هند و مصر و سوریه و ... اما در این میان کتابی که تمام موارد آیات مربوط به ادعای اعجاز علمی قرآن را جمع‌آوری کند و مورد نقد و بررسی قرار دهد نیافتیم. (محمد علی رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱ش، ج ۱، ص ۱۳).

### ۱) مفهوم شناسی

قبل از پیگیری موضوع اصلی، لازم است مفاهیم دخیل در این تحقیق را مورد بررسی و شناسایی قرار دهیم؛

#### ۱-۱) معجزه

الف، در لغت: قرآن کریم واژه «آیه» و «بینه» و «برهان» و «سلطان» را در مورد

## نمود از اعجاز علمی قرآن کریم در زمین \* ۱۰۳

امور خارق عادت و معجزات پیامبران به کار برده است. و از واژه «معجزه» در این مورد استفاده نکرده است، اما اصطلاح رایج و مشهور در این مورد واژه «معجزه» است. (محمد علی رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱ ش، ج ۱، ۲۵)

این واژه از ریشه «عجز» است. و لغویین معانی و استعمالات متعددی برای آن شمرده‌اند:

برخی مثل صاحب قاموس، آن را از عَجَز: (بر وزن فلس) به معنای ناتوانی دانسته است. عجز عنه عجزاً: ضعف عنه ای لم یقتدر علیه» (علی اکبر قرشی، ج ۴، ۲۹۳) «یا وَيْلَتِي اَعْجَزْتُ اَنْ اَكُوْنَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ» (مأئده: ۳۱)

برخی دیگر ریشه این لغت را به معنای «تأخر از چیزی» می‌دانند و از این رو در مورد آخر و پشت هر چیزی به کار می‌رود مانند: «عَجَزُ الْإِنْسَانِ: مُؤَخَّرُهُ، وَبِهِ شَبَهُ مُؤَخَّرٍ غَيْرِهِ.» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ۵۴۷)

برخی لغویین آن را به معنای «به ضعف کشاندن دیگری یعنی خصم و عاجز نمودن او» دانسته‌اند، مانند: الإِعْجَازُ: أَنْ يَأْتِيَ الْإِنْسَانَ شَيْءٌ يَعْجِزُ خِصْمَهُ وَ يَقْصِرُ دُونَهُ (طریحی، ۱۳۷۵ ش، ج ۴، ۲۵) مثل این سخن خداوند متعال: «وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ.» (توبه: ۲)

و دیدگاه‌های دیگری که تقریباً همه به یک معنا بر می‌گردند؛ چون «معجزه» از ریشه عجز آمده و آن به معنای ضعیف نمودن طرف مقابل هست، در معنای اصطلاحی «معجزه» خواهد آمد که چون طرف مقابل عاجز می‌شود و نمی‌تواند آنچه را که پیامبر و یا یکی از اولیاء الهی به عنوان معجزه و اثبات حقانیت خود و یا دینی را آورده ناتوان است و نمی‌تواند مانند آن را عرضه کند عاجز و ناتوان می‌شود.

ب: در اصطلاح: در اصطلاح مفسران قرآن کریم و دانش پژوهان عرصه قرآن پژوهی، تعاریف گوناگونی برای معجزه صورت گرفته است که ما برای معنای اصطلاحی معجزه به سه تعریفی که بهتر به نظر می‌رسد بسنده می‌کنیم:

در اصطلاح دانشمندان علم «کلام»، معنی اعجاز عبارت از این است: کسی که مقامی را از ناحیه خداوند برای خود ادعا می‌کند، باید به عنوان گواه بر صدق گفتارش عملی را انجام دهد که به ظاهر برخلاف قوانین خلقت و خارج از مسیر عادی و طبیعی است و دیگران از انجام دادن آن عمل عاجز و ناتوان هستند، این چنین عمل خارق العاده‌ای را «معجزه» و انجام دادن آن عمل را «اعجاز» می‌نامند، که با شرایطی محقق می‌شود:

الف: امکان صادق بودن ادعا باشد (محال عقلی نباشد، مثلاً ادعای خدائی نکند)

ب: آنچه می‌گوید بر طبق آن انجام دهد.

ج: عمل او از مقوله سحر و علوم دقیقه (غریبه) نباشد.

د: تحدی (مبارزه طلبی) کند. (آیت الله خویی ره، ۱۳۷۵، ۵۳).

معجزه در اصطلاح عبارت از امر خارق عادتی است که برای اثبات ادعای نبوت آورده می‌شود به طوری که موافق ادعا باشد و شخص دیگری نتواند مثل آن را انجام دهد بلکه همه در آوردن آن عاجز باشند. ولی با این حال معجزه امری منافی با حکم عقل یا باطل کننده اصل علیت نیست. (علامه طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ۷۲). در جای دیگر چنین نگاه شده‌اند: معجزه یا آیه معجزه (بر حسب اصل تسمیه) چنانکه از لفظش پیداست امر خارق العاده‌ای است که برای اثبات حق و مقارن با تحدی (دعوت به مقابله) تحقق پیدا می‌کند ... معجزه هر چه بوده باشد و به هر شکل و صورتی اتفاق بیفتد بالاخره امری ست خارق العاده و بیرون از نظام علل و معلولات و اسباب و مسبباتی که عادتاً ما با آن‌ها انس گرفته‌ایم و آن‌ها را می‌شناسیم). (علامه طباطبائی، ۱۳۶۲ش، ۱۱۵ و ۱۱۶).

مرحوم آیت الله معرفت؛ تعریف متفاوت تری را ارائه نموده است:

اعجاز علمی قرآن؛ مربوط به اشاراتی است که از گوشه‌های سخن حق تعالی نمودار گشته و هدف اصلی نبوده است؛ زیرا قرآن کتاب هدایت است و هدف اصلی آن، جهت بخشیدن به زندگی انسان و آموختن راه سعادت به اوست؛ از این رو اگر گاه در قرآن به برخی اشارات علمی بر می‌خوریم از این جهت است که این سخن از منبع سرشار علم و حکمت الهی نشأت گرفته و از سرچشمه‌ی علم بی‌پایان حکایت دارد. (محمد هادی معرفت، ۱۳۸۳، ۳۴۲).

یکی از ابعاد اعجاز قرآن که در چند قرن اخیر ظاهر شد و بسیاری از متخصصان علوم را به شگفتی واداشت و برخی صاحب نظران علوم قرآن بدان تصریح کرده‌اند همان گزاره‌های قرآن در مورد مسایل علمی مثل: زوجیت گیاهان و حرکت خورشید و زمین است. در حالی که انسان‌ها تا قرن‌ها بعد از نزول قرآن بدان مطالب علمی دسترسی نداشتند. یا به نظریه بطلمیوسی که بر خلاف آن‌هاست، معتقد بودند. (محمد علی رضایی اصفهانی، بی تا، ۷۵).



الف: در لغت: به معنای دانستن، دانش، ضد جهل آمده است. (علی اکبر قریشی، ۱۳۶۱ش، ج ۵، ۳۲).

ب: در اصطلاح: تعاریف متعددی برای علم ذکر شده؛ اما مقصود در این نوشته مراد همان علوم تجربی است که با شیوه آزمایش و خطا درستی و یا نادرستی نظریه‌ها و قوانین حاکم بر طبیعت را بررسی می‌کند.

با توجه به مفهوم دو واژه اعجاز و علم، به تبارز اعجاز علمی قرآن در مورد زمین پرداخته و آیاتی را که با زگوکننده اعجاز علمی قرآن و بروز آن در زمین است یاد آوری می‌کنیم.

### ۲) مراد از اعجاز علمی قرآن چیست؟

در پاسخ می‌توان چنین گفت: مراد آیاتی از قرآن کریم است که بدین صورت باشد:

۱) رازگویی علمی باشد؛ یعنی مطلب علمی را که قبل از نزول آیه کسی از آن اطلاع نداشته بیان کند، بطوری که مدت‌ها بعد از نزول آیه مطلب علمی کشف شود. و این مسأله علمی طوری باشد که با وسایل عادی که در اختیار بشر عصر نزول بوده قابل اکتساب نباشد.

۲) اخبار غیبی در مورد وقوع حوادث طبیعی و جریانات تاریخی باشد که در هنگام نزول آیه کسی از آن اطلاع نداشته و پس از خبر دادن قرآن طبق همان خبر واقع شود. و این خبر طوری باشد که بوسیله وسایل عادی قابل پیش‌بینی نباشد. پس اگر مطلبی را قرآن خبر داده که قبلاً در کتاب‌های آسمانی گذشته به آن اشاره شده بوده است و یا در مراکز علمی یونان و ایران و ... در لابلای کتاب‌های علمی و آراء دانشمندان آمده است. و یا مطلبی باشد که طبیعتاً و یا به صورت غریزی قابل فهم بوده است این امور معجزه علمی محسوب نمی‌شود. (محمد علی رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱ش، ج ۱، ۹۴). بعد از اینکه اعجاز علمی برای ما، روشن شد اکنون به اصل موضوع یعنی؛ آیاتی که در ارتباط با زمین است؛ آن هم به برخی از آیات اشاره نموده و متذکر می‌شویم که در این قسمت نیز آیات متنوع و متفاوت می‌باشند که ذیلاً به برخی موضوعات به گونه‌ی اجمال و گذرا اشاره می‌نماییم:

## ۱-۲) قرآن و گسترش زمین

در این آیه خداوند از گسترش زمین خبر داده و سخن می‌گوید: «وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا». و زمین را بعد از آن گسترش داد». (نازعات/ ۲۰). «دحا» از ماده دحو (بر وزن محو) به معنی گستردن است بعضی نیز آن را به معنی تکان دادن چیزی از محل اصلیش تفسیر کرده‌اند و چون این دو معنی لازم و ملزوم یکدیگرند به يك ریشه باز می‌گردد.

به هر حال منظور از «دحو الارض» این است که در آغاز تمام سطح زمین را آب‌های حاصل از باران‌های سیلابی نخستین فرا گرفته بود این آب‌ها تدریجاً در گودال‌های زمین جای گرفتند و خشکی‌ها از زیر آب سر بر آوردند و روز به روز گسترده‌تر شدند تا به وضع فعلی در آمد (و این مساله بعد از آفرینش زمین و آسمان روی داد. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲۶، ص، ۱۰۱. سید رضا مؤدب، ص ۲۱۴).

در ذیل این آیه، صاحب تفسیر هدایت از قول دیگر مفسرین نقل نموده است که می‌گوید مفسرین چنین گفته‌اند: این آیه اشاره است به عواملی طبیعی که پس از آن پیایی بر زمین تأثیر کرد و آن را برای زندگی انسان و دیگر موجودات زنده آماده ساخت، سپس باران‌های فراوان بر آن باریدن گرفت و سیل‌ها به راه افتاد، و در نتیجه این حوادث بعضی از نواحی آن خشک و بعضی دیگر پر آب شود. (سیدمحمد تقی مدرسسی، ۱۳۷۷ ش، ج ۱۷، ص: ۳۰۶).

مرحوم علامه طباطبایی می‌گوید: بعد از آنکه «خداوند» آسمان را بنا کرد و سقفش را بلند نمود، و هر جزئی را در جای خود قرار داد، و شبش را تاریک و روزش را روشن ساخت، زمین را بگسترانید. (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص: ۳۰۹).

## ۲-۲) قرآن و گهواره بودن زمین

قرآن پژوهان و برخی از مفسران، آرامش زمین را یکی دیگر از معجزات علمی قرآن می‌دانند و برخی از آیات را حمل بر آن نموده‌اند، مانند:

« أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا. » «آیا ما زمین را محل آرامش (شما) قرار ندادیم» (نبا: ۶)

« الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَ سَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً

## نمود از اعجاز علمی قرآن کریم در زمین \* ۱۰۷

فَأَخْرَجْنَا بِهٖ أَزْوَاجًا مِّنْ نَّبَاتٍ شَتَّى . «همان خداوندی که زمین را برای شما محل آسایش قرار داد، و راههایی در آن ایجاد کرد و از آسمان آبی فرستاد که به وسیله آن انواع گوناگون گیاهان مختلف را (از خاک تیره) بر آوردیم.» (طه: ۵۳) در این دو آیه شریفه خداوند زمین را مهد آسایش و آرامش قرار داده است و حرکت‌های وضعی و انتقالی آن بسیار آرام است، به واسطهٔ کروی بودن زمین و قانون جاذبهٔ آن و همچنین قشر عظیمی که اطراف آن را فراگرفته است «جو» زمین می‌تواند محل آسایش و راحتی و مکان امنی برای زندگی باشد. خداوند در این آیه هم بر حرکت زمین اشاره دارد و هم بر محل آسایش بودن آن. (سید رضا مؤدب، ۲۱۴).

مرحوم علامه طباطبایی فرموده است: و به هر حال اینکه فرمود: "أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا" انکاری استفهامی است، کلمه "مهاده" به معنای بستر و قراری است که در آن تصرف می‌شود، و بر فرشی که روی آن می‌نشینند نیز اطلاق می‌گردد. معنای جمله این است که مگر ما نبودیم که زمین را برای شما قرارگاه کردیم، تا بتوانید در آن قرار گیرید، و در آن تصرف کنید. (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ۲۶۱)

انتخاب این تعبیر «مهاده» برای زمین، بسیار پر معنی است؛ چرا که از یک سو قسمت‌های زیادی از زمین آن چنان نرم و صاف و مرتب است که انسان به خوبی می‌تواند در آن خانه‌سازی کند، زراعت و باغ احداث نماید. از سوی دیگر همه نیازمندی‌های او بر سطح زمین یا در اعماق آن به صورت مواد اولیه و معادن گران‌بها نهفته است.

و از جانب سوم مواد زائد او را به خود جذب می‌کند، و اجساد مردگان با دفن در آن به زودی تجزیه و متلاشی می‌شوند، و انواع میکرب‌ها بواسطه اثر مرموزی که دست آفرینش در خاک نهاده است نابود می‌گردد. و از سوی چهارم با حرکت نرم و سریع خود، به دور آفتاب و به دور خود گردش می‌کند، شب و روز و فصول چهارگانه را که نقش عمده‌ای در حیات انسان دارند می‌آفریند.

از سوی پنجم قسمت زیادی از آب‌هایی که بر سطح آن می‌بارد در درون خود ذخیره می‌کند و به صورت چشمه‌ها و قنات‌ها بیرون می‌فرستد.

خلاصه در این بستر آرام همه وسائل آسایش و آرامش فرزندان این زمین آماده و مهیا است، و هنگامی اهمیت این نعمت آشکارتر می‌گردد که مختصر تزلزل و دگرگونی در آن رخ دهد. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲۶، ۱۷).

### ۳-۲) قرآن و میخ‌های زمین

آیه ذیل با نگاهی به علوم روز و کشفیات جدید علمی؛ آنچه که مایه ثبات زمین است مورد توجه قرار داده و ما را به سمت یک خالق و صانع قدرت‌مند و مهربان دعوت می‌کند: «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَ أَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَ بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ».

«آسمان‌ها را بدون ستونی که قابل رؤیت باشد آفرید، و در زمین کوه‌هایی افکند تا شما را به لرزه در نیاورد، و از هر گونه جنبنده روی آن منتشر ساخت، و از آسمان آبی نازل کردیم، و به وسیله آن در روی زمین انواع گوناگونی از جفت‌های گیاهان پر ارزش رویاندیم. (لقمان: ۱۰).

«وَ الْجِبَالِ أَوْتَادًا.» «و کوه‌ها را میخ‌های زمین قرار دادیم». (نبا: ۷۰).

در این دو آیه و آیات دیگری که در این مورد وجود دارد به نکات اشاره دارد که بعضی از آن‌ها را ذکر می‌نماییم:

۱) کوه‌ها بعد از پیدایش زمین ایجاد شده‌اند.

۲) زمین دارای حرکت است؛ که این حرکت موجب اضطراب زمین است.

۳) کوه‌ها زمین را آرام می‌کنند.

۴) یک عده از کوه‌ها همانند میخ‌ها در عمق زمین فرو رفته‌اند و باعث آرامش زمین شده‌اند. (سید سجاد علوی، علی شیخ زاده، ۱۳۸۵، ۵۵-۵۷).

البته نکته دیگری در این آیه وجود دارد که علم جدید به آن نتیجه رسیده در حالی که قرآن کریم ۱۴۰۰ سال قبل به این مطلب علمی اشاره کرده است و آن نکته اشاره قرآن به قانون جاذبه است.

مرحوم علامه در المیزان ذیل (وَ الْجِبَالِ أَوْتَادًا) گفته است: کلمه "أوتاد" جمع وتد است، و "تد" به معنای میخ است، البته بنا به گفته صاحب مجمع البیان، میخ بزرگ را "تد" گویند (نه میخ‌های معمولی را)، اگر کوه‌ها را میخ خوانده شاید از این جهت بوده که پیدایش عمده کوه‌هایی که در روی زمین است از عمل آتش‌فشان‌های تحت الارضی است، که یک نقطه از زمین را می‌شکافد و مواد مذاب زمینی از آن فوران می‌کند، و به اطراف آن نقطه می‌ریزد و به تدریج اطراف آن نقطه بالا می‌آید و می‌آید تا به صورت میخی که روی زمین کوبیده باشند، درآید، و باعث سکون و آرامش فوران آتش‌فشان زیر زمین گردد و اضطراب و

## نمود از اعجاز علمی قرآن کریم در زمین \* ۱۰۹

نوسان زمین از بین برود. (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ۲۶۱).

نخستین چیزی که در این آیات به آن بر می خورد می کنیم تأثیر وجود کوهها در آرامش زمین است که گاه از آن به «اوتاد» میخها، تعبیر شده است که معمولاً برای محکم کردن قسمت‌های مختلف در صندوق‌ها و کشتی‌ها و مانند آن، یا برای نگهداشتن چادرها برای وزش بادهای، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

و گاه تعبیر به «ان تمید بکم» که از ماده «میدان» به معنای لرزش و اضطراب، گرفته شده، یعنی کوهها مانع اضطراب و لرزش زمین است. این مطلبی است که در آن عصر و زمان، هیچ کس از آن آگاهی نداشت و امروز ما به خوبی می‌دانیم که نقش کوهها چیست. (ناصر مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۶، ج ۸، ۱۶۱).

همو در تفسیر نمونه چنین ابراز می‌دارد: کوهها علاوه بر اینکه ریشه‌های عظیمی در اعماق زمین دارند، در آنجا به هم پیوسته‌اند و همچون زرهی پوسته زمین را در برابر فشار ناشی از مواد مذاب درونی، و تأثیر جاذبه جزر و مد آفرین ماه از بیرون حفظ می‌کنند، دیوارهای بلندی در برابر طوفان‌های سخت و سنگین محسوب می‌شوند، و پناهگاه مطمئنی برای مهد آسایش انسان می‌سازند که اگر نبودند دائماً زندگی انسان زیر ضربات کوبنده طوفان‌ها دستخوش ناآرامی بود.

علاوه بر همه این‌ها در اطراف کره زمین، قشر عظیمی از هوا وجود دارد که بر اثر وجود کوهها که به صورت دنده‌های یک چرخ، پنجه در این قشر عظیم افکنده‌اند همراه زمین حرکت می‌کنند، دانشمندان می‌گویند اگر سطح زمین صاف بود، قشر هوا به هنگام حرکت زمین روی آن می‌لغزید، و طوفان‌های عظیم ایجاد می‌شد و هم ممکن بود این اصطکاک دائمی سطح زمین را داغ و سوزان و غیر قابل سکونت کند. (ناصر مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲۶، ۱۷).

### ۱-۴ قرآن و کاهش زمین

ایجاد نقص در زمین، چه سرمایه و برکت باشد و چه موجوداتی زنده که ساکن زمین بوده و زمین به عنوان مادر مهربان آنان را در آغوش خویش پرورش داده بعد از مدتی دچار نقص می‌شود؛ آیه ذیل این حقیقت را بازگو می‌کند:

«أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ».

«آیا ندیدند که ما پیوسته از اطراف (و جوانب) زمین کم می‌کنیم (جامعه‌ها، تمدنها و دانشمندان تدریجاً از میان می‌روند) و خداوند حکومت می‌کند و

هیچکس را یارای جلوگیری یا رد احکام او نیست، و او سریع الحساب است)). ( رعد: ۴۱).

زمین چنانکه خداوند فرموده؛ پیوسته در حال کاسته شدن است. همیشه گاز، گرما و انرژی از جو زمین خارج می شود و به فضا می رود؛ و رفته رفته از حجم و اندازه آن کاسته می شود.

به طوری که تخمین زده می شود؛ زمین در آغاز پیدایش خود حجمی تقریباً ۲۰۰۰ بار بزرگتر از حجم کنونی خود داشته است. از آن جا که خورشید پیوسته کم می شود، لازمه اش این است که از زمین نیز پیوسته کم شود تا تعادل بین جاذبه و دافعه میان خورشید و زمین ثابت بماند. (سید سجاد علوی، علی شیخ زاده، ۱۳۸، ۶۶).

آیت الله مکارم، در ذیل آیه، کاهش و نقص زمین را مربوط به اهل زمین دانسته و گفته است:

روشن است که منظور از زمین در اینجا "اهل زمین" است، یعنی آیا آن ها به این واقعیت نمی نگرند که پیوسته اقوام و تمدن ها و حکومت ها در حال زوال و نابودی هستند؟ اقوامی که از آن ها قویتر، نیرومندتر و سرکش تر بودند، همگی چهره به زیر خاک کشیدند، و حتی دانشمندان و بزرگان و علمایی که قوام زمین به آنها بود آنها نیز چشم از جهان فرو بستند و به ابدیت پیوستند.

آیا این قانون عمومی حیات که درباره ی افراد و کل جامعه های بشری و کوچک و بزرگ جاری و ساری است، برای بیدار شدن آن ها کافی نیست، که این چند روز زندگی را ابدی نشمرند و به غفلت برگزار نکنند؟! سپس اضافه می کند: "حکومت و فرمان از آن خداست و هیچکس را یارای رد احکام او یا جلوگیری از فرمان او نیست" (وَ اللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ).

" و او سریع الحساب است" (وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ).

بنا بر این از يك طرف قانون "فنا" را در پیشانی همه افراد و ملتها نوشته و از سوی دیگر کسی را توانایی این نیست که این فرمان یا سایر فرمان های او را تغییری دهد، و از سوی سوم با سرعت به حساب بندگان رسیدگی می کند و به این ترتیب پاداش کیفر او قطعی است.

در روایات متعددی که در تفسیر "برهان" و "نور الثقلین" و سایر تفاسیر و منابع حدیثی آمده است آیه ی فوق به فقدان علما و دانشمندان تفسیر شده است؛ چرا که فقدان آنها مایه ی نقصان زمین و کمبود جوامع انسانی است.

## نمود از اعجاز علمی قرآن کریم در زمین \* ۱۱۱

مفسر بزرگ طبرسی در تفسیر این آیه از امام صادق (ع) چنین نقل می‌کند: «نقصها بذهاب علمائها، وفقهائها و خيارها.» ما از زمین می‌کاهیم با از میان رفتن علما و فقها و اخیار و نیکان. (بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، ۱۳۷۴ ش، ج ۳، ۲۷۳). ناصر مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱، ۲۵۲). از بیان ایشان متوجه می‌شویم که آیه هیچ اشاره به نقص و کاستی خود زمین آنگونه که قائلین به اعجاز علمی قرآن اصرار دارند، ندارد.

مرحوم علامه طباطبایی نیز آیه را ناظر به نقص اهل زمین می‌داند و می‌گوید: این کلام به منظور عبرت آمده. بعد از آنکه آنان را به هلاکت تهدید کرده به عبرت از سرنوشت گذشتگان وادار می‌نماید، و از آن استفاده می‌شود که پرداختن به زمین و کم نمودن از اطراف آن، کنایه است از کشتن و هلاک کردن اهل آن. (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ۵۱۹)

بنابراین نظر کسانی که آیه را ربط به اعجاز علمی قرآن داده‌اند، نمی‌شود اعتنا کرد؛ چون از قسم تفسیر به رأی و یا تحمیل نظریه علمی بر قرآن است که از موارد تفسیر غیر معتبر بوده و نمی‌توان از آن نقص زمین آنگونه که خواست مدعیان اعجاز علمی ست دانست.

### ۵-۲) قرآن و ساکن بودن زمین

می‌دانیم که زمین به عنوان گهواره و بستر تلقی شده که باعث آرامش و سکون آدمی است، این از واقعیت‌های قرآن کریم قبل از علم جدید بدان اشاره داشته است و آیات متعددی باز گوکننده این واقعیت ثابت و غیر قابل انکار است، مانند:

«الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا...» «آن کس که زمین را بستر شما قرار داد...» (بقره: ۲۲). علامه طباطبایی در رابطه با اعجاز قرآن کریم، ذیل آیات نخستین سوره بقره به طور تفصیل و مبسوط، به شایستگی سخن گفته، و قرآن را دارای اعجاز در تمام ابعاد دانسته و این گونه تصریح نموده است:

قرآن کریم هم معجز است در بلاغت، برای بلیغ‌ترین بلغاء و هم آیتی است فصیح، برای فصیح‌ترین فصحاء و هم خارق العاده‌ایست برای حکماء در حکمتش، و هم سرشارترین گنجینه علمی ست معجزه‌آسا، برای علماء و هم اجتماعی‌ترین قانونی است معجزه‌آسا، برای قانون، و سیاستی است بدیع، و بی سابقه برای سیاستمداران و حکومتی ست معجزه، برای حکام، و خلاصه

معجزه‌ایست برای همه عالمیان، در حقایقی که راهی برای کشف آن ندارند، مانند امور غیبی، و اختلاف در حکم، و علم و بیان.

از اینجا روشن میشود که قرآن کریم دعوی اعجاز، از هر جهت برای خود می‌کند، آنهم اعجاز برای تمامی افراد جن و انس، چه عوام و چه خواص، چه عالم و چه جاهل، چه مرد و چه زن، چه فاضل متبحر و چه مفضل، چه و چه، البته بشرطی که اینقدر شعور داشته باشند که حرف سرشان بشود. (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ۹۵).

آیت الله مکارم شیرازی، آرامش زمین را یکی از نعمت‌های بزرگ الهی دانسته، در تفسیر نمونه می‌نویسد:

خداوند، در آیه قسمت دیگری از نعمت‌های بزرگ خدا که می‌تواند انگیزه شکرگزاری باشد اشاره کرده، نخست از آفرینش زمین سخن می‌گوید: "همان خدایی که زمین را بستر استراحت شما قرار داد" (الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا). این مرکب راهواری که شما را بر پشت خود سوار کرده و با سرعت سرسام‌آوری در این فضا به حرکات مختلف خود ادامه می‌دهد، بی آنکه کمترین لرزشی بر وجود شما وارد کند، یکی از نعمت‌های بزرگ او است.

نیروی جاذبه‌اش که به شما اجازه حرکت و استراحت و ساختن خانه و لانه و تهیه باغ‌ها و زراعت‌ها و انواع وسائل زندگی می‌دهد، نعمت دیگریست، سپس می‌پرسد:

هیچ فکر کرده‌اید که اگر جاذبه زمین نبود در یک چشم بر هم زدن همه ما و همه خانه‌های وسائل زندگی‌مان بر اثر حرکت دورانی زمین به فضا پرتاب و در فضا سرگردان می‌شد؟! تعبیر به "فراش" (بستر استراحت) چه تعبیر زیبایی است، فراش، نه تنها مفهوم آرامش و آسودگی خاطر و استراحت را در بر دارد بلکه گرم و نرم بودن و در حد اعتدال قرار داشتن نیز در مفهوم آن افتاده است. (ناصر مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱، ۱۱۹).

آیاتی دیگری همین مفهوم را تداعی کرده و اعجاز علمی را به ثبوت می‌رساند مانند:

«الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَ سَلَكَ لَكُمُ فِيهَا سُبُلًا وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْ نَبَاتٍ شَتَّى».

«همان خداوندی که زمین را برای شما محل آسایش قرار داد، و راه‌هایی در آن ایجاد کرد و از آسمان آبی فرستاد که به وسیله آن انواع گوناگون گیاهان مختلف را



(از خاک تیره) برآوردیم». (طه: ۵۳) که قبلا گذشت.

## ۶-۲) قرآن و استخراج نفت و گاز از زمین

برخی از قرآن پژوهان با تلاش خود سعی می‌کنند، استخراج نفت و گاز از زمین را از آیه ذیل اثبات کنند، حال ببینیم چنین چیزی ممکن است یا نه.

«وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا»، «و زمین بارهای سنگینش را خارج سازد.» (زلزال/ ۲).

برخی براین عقیده‌اند که: موارد استخراج، نفت و گاز است که از مواد سنگین در زمین است، یعنی با آلات و ابزار، چاه‌های نفت و گاز کشف می‌شود، آنگاه انسان با تعجب می‌گوید: این‌ها چیست؟ که در این زمان قیامت نزدیک است. (ناصر رفیعی، ۱۳۸۴، ۸۸).

آیت الله مکارم شیرازی در ذیل این آیه می‌گوید:

در اینکه منظور از "اثقال" (بارهای سنگین) چیست؟ مفسران تفسیرهای متعددی ذکر کرده‌اند: بعضی گفته‌اند منظور انسان‌ها هستند که با زلزله رستاخیز از درون قبرها به خارج پرتاب می‌شوند، نظیر آنچه در سوره انشقاق آیه ۴ آمده است "وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ".

و بعضی گفته‌اند: گنج‌های درون خود را بیرون می‌ریزد، و مایه حسرت دنیا پرستان بی‌خبر می‌گردد.

این احتمال نیز وجود دارد که منظور بیرون فرستادن مواد سنگین و مذاب درون زمین است که معمولا کمی از آن به هنگام آتش‌فشان‌ها و زلزله‌ها بیرون می‌ریزد، در پایان جهان آنچه در درون زمین است به دنبال آن زلزله عظیم به بیرون پرتاب می‌شود.

ایشان تفسیر نخست را مناسب‌تر تشخیص داده می‌گویند: تفسیر اول مناسب‌تر به نظر می‌رسد هر چند جمع میان این تفاسیر نیز بعید نیست. (ناصر مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲۷، ۲۲۳).

بعضی گفته‌اند: ائصال گنج‌ها و معادن زمین است، و بعضی دیگر آنها را مردگانی تفسیر کرده‌اند که زمین در دومین دمیدن صور، آنها را از خود بیرون می‌ریزد و ناگهان آنها بر می‌خیزند و به نگرستن می‌پردازند، چنان می‌نماید که کلمه وسعت قابلیت تطبیق با همه این نتیجه‌ها را دارد، ولی آنچه بیشتر از زلزله درباره آن آگاهی داریم، بیرون ریختن مواد گداخته مرکزی زمین از آن است. چه می‌دانیم که بعضی از زمین لرزه‌ها از فوران آتشفشانهایی نتیجه می‌شود که مواد گداخته از

آنها فوران می‌کند. (سیدمحمد تقی مدرسی، ۱۳۷۷ ش، ج ۱۸، ۲۶۳). البته استفاده استخراج نفت و گاز از این آیه دشوار است، به نظر می‌رسد این یک دیدگاه افراطی نسبت به تفسیر قرآن کریم است، که باعث تحمیل نظریات علمی بر قرآن گشته و از جمله گونه‌های تفسیری غیر معتبر خواهد بود

## ۲-۶) قرآن و قانون جاذبه در زمین

«خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بَعِيرَ عَمَدٍ تَرْوُنَهَا وَ أَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَ بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ».

«آسمان‌ها را بدون ستونی که قابل رؤیت باشد آفرید، و در زمین کوه‌هایی افکند تا شما را به لرزه در نیاورد، و از هر گونه جنبنده‌ی روی آن منتشر ساخت و از آسمان آبی نازل کردیم، و به وسیله آن در روی زمین انواع گوناگونی از جفت‌های گیاهان پر ارزش رویاندیم». (لقمان/۱۰).

مرحوم علامه طباطبایی در ذیل آیه‌ی دوم از سوره‌ی مبارکه‌ی رعد بحث مفصلی راجع به ستون‌های زمین ارائه نموده اند که در یک عبارت کوتاه منظور ایشان می‌شود که:

خداوند آسمان را از زمین جدا کرد و میان آن دو فاصله‌ای گذاشت، فاصله‌ای که باعث شد آسمان مسلط بر زمین شود و اشعه‌ی خود را بر زمین بتاباند و باران و صاعقه‌ی خود را به زمین بفرستد، و همچنین آثار دیگر.

پس آسمان بر بالای زمین بدون ستونی محسوس، که انسان اعتماد آن را بر آن احساس کند ایستاده، در نتیجه هر انسانی باید متوجه بشود که لابد کسی هست که آن را بدون ستون نگهداشته و نمی‌گذارد جابجا بشود، و آن را از فرو ریختن از مدارش نگه داشته است. (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ۳۹۱).

آیت الله مکارم شیرازی در تبیین آیه برای دلالت بر قانون جاذبه‌ی زمین و اثبات معجزه‌ی علمی قرآن کریم، سؤالی رامطرح کرده می‌گوید:

آیا توجیه و تفسیری برای این سخن غیر از ستونی که ما امروز نام آن را «توازن قوه‌ی جاذبه و دافعه» می‌نامیم، وجود دارد؟ بعد برای پاسخ به توضیح پرداخته چنین اظهار نظر می‌کند:

در زمان نزول آیات قرآن کریم، تنها فرضیه‌ی که بر افکار دانشمندان آن عصر، و قرن‌ها بعد از آن و قبل از آن، حاکم بود فرضیه‌ی هیأت «بطلمیوس» بود که با تمام قدرت بر محافل علمی جهان حکومت می‌کرد و طبق آن، آسمانها به صورت

## نمود از اعجاز علمی قرآن کریم در زمین \* ۱۱۵

کراتی تو در تو همانند پیاز، روی هم قرار داشت، وزمین در مرکز آن ها بود، و طبعاً هر آسمانی متکی به آسمان دیگر بود، ولی امروز بعد از (هزار و چهار صد) سال از نزول قرآن، بطلان این عقیده با دلایل قطعی ثابت شد، و نظریه افلاک پوست پیازی به کلی کنار رفت، و این معنی مسلم شد که هر یک از کرات آسمانی در مدار و جایگاه خود معلق و ثابت است و هر چند مجموعه ها و منظومه ها دارای حرکتند، و تنها چیزی که آن ها را در جای خود نگه می دارد، همان تعادل قوا جاذبه و دافعه است. (ناصر مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۶، ج ۸، ص ۱۴۷).

با توجه به نظرات مفسران قرآن کریم استفاده قانون جاذبه از آیه فوق، که امروز علم جدید به عنوان یک قانون مسلم علمی مطرح است و آن را ثابت کرده از جنبه های اعجاز علمی قرآن کریم است.

### ۲-۷) قرآن و کروی بودن زمین

«... مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا...» (اعراف: ۱۳۷) «و مشرقها و مغربهای پر برکت زمین را به آن قوم تضعیف شده (زیر زنجیر ظلم و ستم) واگذار کردیم.» تعدد مشارق و مغارب در صورت مسطح بودن زمین غیر ممکن است. در صورت کروی بودن زمین است که باطلوع خورشید بر جزیی از زمین، در قسمت دیگر غروب رخ می دهد؛ اما اینکه در جای دو مشرق و دو مغرب داریم، برخی مفسران گفته اند: نهایت پایین آمدن خورشید است در زمستان و نهایت اوج گرفتن آن در تابستان که این دو در سردترین ایام سالند. (ناصر رفیعی، ۱۳۸۴، ۶۶).

این سلسله آیات در عین این که بر متعدد بودن محل طلوع و تابش آفتاب و محل غروب آن دلالت می کند، بر کروی بودن زمین نیز اشاره دارد زیرا اگر زمین کروی باشد، طلوع کردن و تابیدن آفتاب بر هر جزئی از اجزای کره زمین مستلزم این است که از جزء دیگر آن غروب بکند و در این صورت تعدد مشرقها و مغربها بدون هیچ گونه تکلف و زحمتی، روشن و واضح می گردد ولی در غیر کروی بودن زمین، تعدد مشرقها و مغربها که از آیه استفاده می شود، قابل درک و مفهوم نیست. (آیت الله خویی ره، ۱۳۷۵ ش، ۱۳۳).

نسبت به اینکه قرآن کریم، کروی بودن زمین را مطرح کرده و بعد از چندین قرن علم جدید به این واقعیت پی برده این مطلب به صورت کنایی است و صراحت کامل ندارد که زمین مثلاً گرد است؛ ولی به صورت التزامی کروی بودن زمین را ثابت می کند. بین قرآن پژوهان اختلاف معتابه‌ی به چشم نمی خورد.

## نتیجه

بنابراین از بیان فوق می‌شود نتیجه گرفت که قرآن کریم، دارای اعجاز علمی است که برخی از آن اعجاز در زمین تبارز پیدا کرده است و اکتشافات علمی سال‌ها بعد از قرآن کریم به این مسأله علمی پی برده و آن را به رسمیت شناخته که خود از معجزات علمی این کتاب آسمانی است.

ولی از مجموع نظرات مفسران قرآن کریم، می‌توان نتیجه گرفت که:

(۱) اعجاز علمی قرآن کریم را همه مفسران متفقاً پذیرفته‌اند.

(۲) در برابر تفسیر و اعجاز علمی قرآن مفسران و قرآن پژوهان به سه دسته تقسیم شده‌اند:

الف: عده شیوة افراط را پیموده‌اند؛ به این معنا که هر آیه‌ی قرآن که کوچک‌ترین اشاره‌ی به مسایل علمی داشته‌اند قایل شده‌اند که قرآن تمام مسایل علمی را بازگو نموده است.

ب: عده راه تفریط را پیموده و گفته‌اند: قرآن؛ هیچ اشاره‌ی به مسایل و اعجاز علمی ندارد؛ زیرا قرآن برای بیان مسایل علمی نازل نشده؛ بلکه قرآن هدفش هدایت بشر است که مربوط به مسایل دنیا نمی‌شود.

ج: اما گروهی می‌گویند: قرآن برخی از مسایل علمی را بیان کرده و قایل به اعجاز علمی قرآن کریم می‌باشند؛ ولی هدف آن را مسایل هدایتی دانسته و می‌گویند: خداوند از این طریق به اثبات حقانیت دین توحیدی پرداخته و از این رهگذر پیام خویش را صادر نموده است.

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم

۱. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، مؤسسه بعثه، قم، ۱۳۷۴ ش.
۲. خویی، سید ابوالقاسم، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، چاپ اول، مترجمان: محمد صادق نجمی و هاشم هاشم زاده هریسی، وزارت ارشاد، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، دار القلم، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۴. رضایی اصفهانی، محمد علی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، چاپ سوم، کتاب مبین، قم، ۱۳۸۱ ش.

## نمودار اعجاز علمی قرآن کریم در زمین \* ۱۱۷

۵. رفیعی، ناصر، سیرتدوین و تطور تفسیر علمی قرآن، چاپ اول، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۶ ش.
۶. طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه، سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱، ۱۱، ۲۰، چاپ پنجم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۴ ش.
۷. طباطبائی، علامه سید محمد حسین، اعجاز قرآن، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، قم، ۱۳۶۲ ش.
۸. علوی، سید سجاد، علی شیخ زاده، معجزات جدید (یا اعجاز علمی قرآن کریم) چاپ اول، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۵ ش.
۹. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، جلد ۴، چاپ ششم دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۱۰. مدرسی، سید محمد تقی، تفسیر هدایت، مترجم: احمد آرام، ج ۱۷ و ۱۸، چاپ اول، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷ ش.
۱۱. معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، مؤسسه فرهنگی تمهید، چاپ پنجم، ۱۳۸۳.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، جلد ۲۶، چاپ اول، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، پیام قرآن، جلد ۸، چاپ ششم، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۶ ش.
۱۴. مؤدب، سید رضا، اعجاز قرآن، چاپ اول، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، بی تا.

